

فصلنامه تاریخ اسلام

سال چهارم، زمستان ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۱۶، ص ۱۳۳-۱۵۴

جنگ صلیبی هشتم

محمد رضا پاک *

جنگ صلیبی هشتم (۹ - ۶۶۸ ق) با هدف سرنگونی دولت حفصی در تونس روی داد. این جنگ بزرگ‌ترین و آخرین جنگ از مجموعه جنگ‌های کلاسیک صلیبی بود که هم‌زمان با حمله‌ی مغول به شرق روی داد. برخی از نویسندگان غربی آن را بهبوده‌ترین جنگ صلیبی دانسته‌اند. مقاومت مردم و علمای افریقیه و سرانجام شکست صلیبی‌ها، از مهم‌ترین حوادث تاریخی دولت حفصی است که نقش اساسی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل داشت.

واژه‌های کلیدی: جنگ‌های صلیبی، بنی حفص، تونس، لوئی نهم، المستنصر بالله.

نگاهی به دولت حفصی

با فروپاشی دولت موحدین در مغرب و آندلس (۶۶۷ ق)، قلمرو وسیع آنها بین چهار دولت (بنی مرین، بنی عبدالواد، بنی حفص، بنی الاحمر) تقسیم شد. مهم‌ترین این دولت‌ها توسط فرزندان شیخ عبدالواحد حفصی شکل گرفت که خود از اصحاب عشره، یاران خاص ابن تومرت بود و فرزندان او نیز از عناصر اصلی دولت صدساله‌ی موحدین بودند. دولت حفصی که در افریقه (تونس) برپا شد و خود را جانشین خلافت موحدین می‌دانست، در سال ۶۲۷ قمری توسط ابو زکریا عبدالواحد استقلال یافت. بعد از او پسرش ابو عبدالله محمد که بزرگ‌ترین امیر دولت حفصی بود، از امیر مکه لقب خلافتی المستنصر بالله گرفت و همه‌ی دولت‌های مغرب و آندلس و دولت ممالیک مصر و شام با او بیعت کردند. چهار دهه حکومت او از شکوفاترین دوره‌های تمدن اسلامی بود.

دولت حفصی روابط خوبی با دولت‌های مسیحی و مسلمانان برقرار کرد. ۲۵ تن از خاندان حفصی به‌طور موروثی تا سال ۹۸۱ قمری به مدت ۳۷۸ سال حکومت کردند. در اثر حملات متعدد پرتغالی‌ها و هم‌پیمانان آنها و نیز دولت عثمانی و رقابت این دول بر سواحل مدیترانه‌ی غربی، سرانجام، تونس تحت تصرف کامل دولت عثمانی در آمد و این دولت در سال ۹۸۱ قمری سقوط کرد. در یک نگاه، پیدایش حفصیان در آفریقای شمالی، گویای دولت قدرتمند و بزرگی است که حدود چهار قرن آن منطقه را تحت سلطه‌ی خود داشت. این دولت یادآور روزهای آبادانی و رفاه اقتصادی و پیشرفت فرهنگی در تاریخ کشور تونس است. از جمله مهمترین حوادث سیاسی که در آغاز حکومت حفصیان روی داد حمله متحدان مسیحی با حمایت و هزینه کلیسا به تونس و اشغال شش ماهه‌ی بندر قرطاجنه بود. لویی نهم* شاه فرانسه (د ۱۲۸۰ م) - پیشوای سیاسی صلیبی‌ها که در هاله‌ای از تقدس و معنویت یک مجاهد

* San lui.

مسیحی شناخته شده بود - کار هماهنگی و تدارک حمله به تونس را سامان داد. در زمینه علل و نتایج جنگ صلیبی هشتم نظریات متفاوتی ارائه شده است که جا دارد مورد بررسی قرار گیرد.

زمینه‌ها و علل نبرد صلیبی هشتم

دلیل توجه به علل حمله‌ی لوئی نهم به تونس این است که او در جهت هدف ثابت خود، یعنی باز پس‌گیری اورشلیم (بیت المقدس)، می‌بایست به مقصد فلسطین و یا مصر حرکت می‌کرد و در دعوت از سران دولت‌های صلیبی نیز همین مطلب را اعلام کرد، اما در دهمین روز سفر، در نزدیکی آب‌های تونس، طی جلسه‌ای خصوصی که فقط برخی از نزدیکان او و بعضی از رؤسای نیروهای صلیبی همراه او حضور داشتند، اعلام کرد که پیش از شروع جنگ در شرق، قصد دارد به تونس حمله کند. دلایلی که در مورد این موضوع ذکر شده است عبارتند از:

۱. تحریک بازرگانان فرانسوی؛

۲. موقعیت جدید تونس در جهان اسلام و انتقام شکست لوئی در مصر و پاسخ به تحقیر او توسط مستنصر؛

۳. امید به مسیحی شدن تونس؛

۴. توطئه پادشاه صقلیه (سیسیل).

در ذیل به شرح و بسط هر یک از موارد فوق می‌پردازیم.

در بین دلایل متعددی که در این مورد ذکر شده است، ابن خلدون، ضمن توجه به هدف و انگیزه‌ی اصلی فرنگی‌ها، به بهانه‌ی ظاهری آنها برای حمله به تونس اشاره کرده است. او با ذکر سابقه‌ی جنگ‌های صلیبی، به‌طور مجمل از تصرف سواحل شام توسط فرنگی‌ها و آرزوی آنها در بازپس‌گیری اورشلیم (بیت المقدس) یاد کرده است. باز پس‌گیری بیت المقدس

در ۵۳۸ قمری به دست صلاح الدین ایوبی و بازگشت متصرفات صلیبیون در شام به دامن اسلام، باعث شد آنها پس از گذشت سال‌ها، بار دیگر در اواسط قرن هفتم دور جدیدی از جنگ‌های صلیبی را برای استرداد بیت المقدس آغاز کنند.^۱ اولین دور این حملات به مصر بود که به شکست مفتضحانه‌ی صلیبی‌ها در سال ۶۴۷ قمری منتهی شد. لوئی نهم که رهبری جنگ را به عهده داشت، به شدت تحقیر و در اسکندریه زندانی شد و سرانجام با فدیهای سنگین و به شرط این‌که دیگر به خاک مسلمانان تجاوز نکند، آزاد گردید؛ اما اندکی بعد، نقض پیمان کرد و به بهانه‌ی ظلم سلطان حفصی نسبت به بازرگانان فرانسوی به تونس حمله کرد.^۲ ابن شماع درباره‌ی جزئیات داستان بازرگانان فرانسوی، می‌نویسد:

یمانی [الیانی]^۳ ۳۰۰ هزار دینار طلا از تجار فرانسوی برای مدت معینی قرض کرده بود؛ اما هنگامی که آنها چنین مطلبی را ادعا کردند، با انکار سلطان حفصی روبه‌رو شدند لذا به لوئی نهم شکایت بردند و او را به جنگ با تونس تحریک کردند. طرح تحریک تجار فرانسوی بهانه‌ای بود که شاه فرانسه برای حمله به تونس از آن استفاده کرد؛ زیرا زمانی که مستنصر از عزم لوئی برای حمله به تونس آگاه شد، گروهی را در سال ۶۶۷ قمری / ۱۲۶۹ میلادی همراه با مبالغی طلا نزد او فرستاد تا مسائل بین بازرگانان تونسی و فرانسوی فیصله یابد و با مذاکره از حمله‌ی وی جلوگیری شود. لوئی طلاها را گرفت و گفت: منتظر جنگ در خاک خود باشید. در همین جلسه یکی از فرستادگان مستنصر قصیده‌ی ابن مطروح، شاعر مصری، در هجو لوئی در شکست مصر را خواند. مفاد این قصیده، زندانی شدن لوئی در مصر در خانه‌ی ابن لقمان را به او متذکر شده است.

قل للفرنسیس اذا جئته مقال صدق من وزیر نصیح

دار ابن لقمان علی حالها و القید باق و الطواشی صبیح

هنوز این قصیده به پایان نرسیده بود که خشم لوئی را برانگیخت و از نقض عهد خود در مورد حمله به تونس عذر خواست و خود را برای حمله به تونس آماده کرد.^۴

این جملات حاکی از وجود افراد مختلف با نظرهای متفاوت در هیئت نمایندگی مستنصر به پاریس است.

دلیل و بهانه‌ی دیگر لوئی در حمله به تونس این بود که گروهی از سربازان ترک در مراسمی از مقابل مستنصر عبور می‌کردند؛ او گفت: این‌ها کسانی‌اند که طاغوت فرنگ را اسیر کردند^۵ و سپس آزاد نمودند. خبر تحقیر و تمسخر لوئی نهم در این مراسم به گوش او رسید و وی قصد حمله به تونس کرد.^۶

هدف او از حمله به مصر در ۶۴۷ قمری معامله با مسلمانان برای باز پس گرفتن اورشلیم در برابر دمیاط بود که با شکستی مفتضحانه مواجه شد و تحقیر ناشی از آن هم‌چنان بر دوش او سنگینی می‌کرد، ولی از بیم تکرار آن تجربه، چشم از مصر دوخت و در پی آن بود تا آن شکست را در تونس جبران کند؛ زیرا تونس مورد توجه جهان اسلام قرار گرفته بود و خود را وارث حقیقی خلافت اسلامی معرفی می‌کرد. بنابراین حمله به تونس مانند حمله به نقطه‌ای صاحب نفوذ در جهان اسلام بود و او گمان می‌کرد که از این طریق می‌تواند خواسته‌های خود در مورد فلسطین را به اجرا درآورد.^۷ در حقیقت ترس صلیبی‌ها از نزدیکی مصر و تونس، محرک واقعی لوئی برای حمله به تونس بود و صرف تحقیر لوئی در مراسمی با حضور سربازان ترک، نمی‌توانست انگیزه‌ی اصلی او باشد.

همچنین در رأس فعالیت‌های دول صلیبی، به ویژه اقدامات لوئی نهم، تلاش گسترده برای مسیحی کردن دولت‌های اسلامی بود. تونس از جمله حوزه‌های بسیار فعال این سیاست بود. از این‌رو، گروه‌های متعددی از راهبان و بزرگان کلیسای روم از آغاز پیدایش دولت حفصی، به ویژه از زمان روی کار آمدن المستنصر بالله که روابط دوستانه‌ای با دول مسیحی داشت، در شهرهای تونس در کار تبلیغ مسیحیت بودند. از جمله سرسخت‌ترین و مشهورترین این مبلغان که خود پرچمدار تبلیغ مسیحیت بود، ریمون لول (۱۲۳۳ م - ۱۳۱۰ م) بود.^۸ او بارها برای تبلیغ مسیحیت به شهرهای مختلف تونس سفر کرد. از سوی دیگر، گروه زیادی از

راهبان، لوئی را متقاعد ساختند که مستنصر و بسیاری از علمای تونس آماده‌ی پذیرش مسیحیت‌اند. برخی از محققان، همین مبشران مسیحی را از جمله عوامل مهم تحریک لوئی در حمله به تونس می‌دانند؛^۹ اما قراین نشان می‌دهد که این سخن موجهی نیست؛ چون مبلغان مسیحی بنابر مصالح سیاسی دولت حفصی و حفظ روابط تجاری با جمهوری‌های ایتالیا، به ویژه جنوا و نیز روابط خاص حفصی‌ها با صقلیه که با تسامح کاملی در جریان بود، به تونس رفت و آمد می‌کردند. با این حال، فعالیت‌های مسیحیان از آغاز با مقاومت‌های جدی و خصومت‌آمیز مسلمانان روبه‌رو شد. فعالیت‌های ریمون لول، طراح عملیات مذهبی مسیحیان در شمال آفریقا، چندین بار در شهرهای تونس تحریم شد؛ حتی وی در بجایه توسط قاضی شهر به زندان افتاد و سپس تبعید شد و سرانجام مردم در همین شهر او را کشتند. مسیحی شدن مستنصر به عنوان خلیفه‌ی مسلمین نیز پذیرفتنی نیست. او در رأس حوزه‌ی بزرگی از علما و فقها و دانشمندان مسلمان بود که حامی خلافت وی بودند. برونشویک آن را خدعه‌ی مستنصر می‌داند.^{۱۰} برخی از نویسندگان غربی هم به بی‌پایه بودن این مطلب تصریح کرده‌اند. رانسیمان می‌نویسد:

لوئی به افسون برادر معتقدگشت که امیر تونس آماده‌ی قبول مسیحیت است و فقط یک قدرت‌نمایی کوچک کافی است تا او به جرگه‌ی مسیحیان درآید. شاید رنج بیماری چشم، خرد لوئی را کور ساخته بود.^{۱۱}

حوادث بعدی و مقاومت سرسختانه‌ی تونس در برابر صلیبی‌ها نیز بطلان این مطلب را ثابت کرد.

شکست تلاش‌های سران صلیبی، به ویژه لوئی، در مسیحی کردن دولت‌های مغول نیز از جمله قراین بطلان مسیحی شدن مستنصر است. به‌طور کلی آنها نتیجه‌ای ناچیز از این برنامه به دست آوردند.^{۱۲} مغول‌ها هیچ‌گاه آیین خود را به نفع مسیحیت ترک نکردند و صلیبی‌ها نه تنها در مسیحی کردن دولت‌ها موفق نبودند و همه‌ی دولت‌ها از قبول دعوت آنها

امتناع کردند، بلکه سقوط دولت مسیحی بیزانس از دستاوردهای منفی آنها در قرون وسطی بود.^{۱۳}

به هر حال، ظاهراً طرح قبول مسیحیت از سوی مستنصر، وسیله‌ای بود که لوئی از آن برای جلب حمایت پاپ و سران دول مسیحی و راهبان و مقدسان مسیحی برای شرکت در لشکرکشی استفاده نموده است؛ البته زمینه‌ی طرح چنین ادعایی در مورد تونس وجود داشت و چنانکه اشاره شد، روابطی دوستانه‌ی مستنصر با مسیحیان، سابقه‌ی تاریخی عمیق و گسترده‌ی مسیحیت در تونس و میزان بالای کار فرهنگی مبلغان کلیسا در آن جا و رفت و آمد زیاد تجار مسیحی و جمعیت مسیحی ساکن در برخی نقاط تونس، طرح چنین ادعایی را تا حدودی موجه جلوه می‌داد؛ به همین جهت «بلافاصله بعد از آن‌که غازان خان، ایلخان مغول، شام را در ۱۲۹۹ میلادی / ۶۹۷ قمری در زیر نگین خود گرفت، ریمون لیل [لول]، عازم شام شد و همه‌ی تلاش‌های خود را برای دعوت او به مسیحیت به کار بست؛ اما غازان که خود نومسلمانی غیور بود، احیاناً به آسانی دل در گرو دوستی مسیحیان نمی‌نهاد. با مرگ غازان در ۱۳۱۶ میلادی، آخرین مجال اتحاد با مغول از کف رفت»؛^{۱۴} به هر شکل، این مدعا مستند به منابع معتبر نیست. تنها برونشویک به استناد به سخن یک مورخ غربی، با این قرینه که سال‌ها بعد یک امیر حفصی نیز به‌طور مخفی مسیحی شد، آن را بیان کرده است.^{۱۵}

توسعه‌طلبی و مقاصد شخصی برادر لوئی نهم، «شارل دانتزو»^{۱۶} که به تازگی از سال ۱۲۶۸ میلادی / ۶۶۶ قمری بر صقلیه دست یافته و در صدد تشکیل حکومت واحد در عرصه‌ی مدیترانه بود، از دیگر عوامل تحریک لوئی در حمله به تونس شمرده‌اند. دولت حفصی از زمان ابو زکریا، باج سالیانه‌ای به صقلیه می‌پرداخت که مستنصر از پرداخت آن خودداری کرد، لذا شاه صقلیه با شرکت در حمله‌ی صلیبی به تونس، می‌توانست باج سالیانه‌ی خود را دوباره برقرار سازد.

سابقه‌ی روابط دوستانه‌ی دولت حفصی با دولت صقلیه به زمان حاکمیت خاندان

هوهنشتافن که از مخالفان سرسخت لوئی نهم و برادرش و دستگاه پاپ بودند، برمی‌گردد؛ و صلیبی‌ها صقلیه (سیسیل) را خاری در چشم جهان صلیبی می‌دیدند و اقدامات زیادی برای تصرف آن‌جا و سقوط خاندان هوهنشتافن انجام دادند. سرانجام، کلیسا از برادر لوئی نهم حمایت کرد و او را در سیسیل روی کار آورد. در پی سقوط خاندان مزبور در جزیره‌ی سیسیل معارضان و مخالفان حاکم جدید و گروهی از وفاداران آن خاندان به تونس رفتند. گویا گروهی از مخالفان شارل که در تونس تجمع کرده بودند، برای حمله به صقلیه آماده می‌شدند. بنابراین لازم بود که صلیبی‌ها پیش از عزیمت به شرق، هرگونه مانعی را از سر راه بردارند و به همین دلیل ناگزیر بودند به دولت تونس که مخالفان آنها را پناه داده بود، حمله کنند.

و بالاخره اینکه دولت‌های مسیحی تحمل ظهور قدرت جدیدی را در عرصه‌ی خلافت اسلامی که بتواند دولت‌های اسلامی را متحد کند نداشتند؛ به ویژه این که مشروعیت دولت حفصی را در شرق جهان اسلام، دولت بزرگ ممالیک که خود را وارث خلافت عباسی می‌دانست و بر مصر و شام حکومت می‌کرد و جزیره‌العرب را زیر نفوذ خود داشت، پذیرفته بود. اگر این دولت باعث اتحاد پایدار نیروهای مغرب می‌شد، منافع مسیحیان در مدیترانه و آندلس به خطر می‌افتاد و مانع بزرگی در راه ادامه‌ی فعالیت‌های آنها می‌گشت؛ بنابراین، وحشت از شکل‌گیری یک قطب قدرتمند اسلامی در تونس می‌تواند از مهم‌ترین علل حمله‌ی لوئی در حمله به تونس باشد. حوادث بعد از جنگ نیز ثابت کرد که شکست لوئی در این نبرد برای جهان مسیحی مصیبتی بزرگ و نیز مایه‌ی شادی و آرامش مسلمانان از ناحیه‌ی غرب بود. رانسیمان می‌نویسد:

وقتی خبر آن به خاور زمین رسید مسلمانان نفسی آسوده برآوردند و مسیحیان ماتم

گرفتند.^{۱۷}

ترکیب سپاه صلیبی هشتم

شاه قدرت طلب فرانسه، سن لوئی، با بیان اهداف خود برای پاپ کلیمون چهارم، هفت تن از شاهان مسیحی را به تشکیل لشکر صلیبی دعوت کرد. پاپ اموال کلیسا را برای تأمین هزینه‌ی جنگ در اختیار او قرار داد.^{۱۸} در منابع از افراد زیر در ترکیب سپاه صلیبی یاد کرده‌اند:

۱. لوئی نهم همراه سه فرزندش؛ ۲. برادر او الفونس؛ کنت پواتیه و تولوز؛ ۳. دختر و داماد لوئی؛ کنت ناوار؛ ۴. کنت شمپانیا؛ ۵. سفیر پاپ؛ ۶. شاه انگلیس؛ ۷. شاه برشلونه؛ ۸. گروهی دیگر از بزرگان آندلس؛ ۹. گروه انبوهی از راهبان که قصد رفتن به فلسطین داشتند.

ابن خلدون به نقل از پدرش که شاهد عینی جنگ بود، می‌نویسد:

حدود شش هزار نیروی سواره و ۳۰ هزار نیروی پیاده، با ناوگانی عظیم، متشکل از ۳۰۰ کشتی کوچک و بزرگ وارد خاک تونس شدند.^{۱۹}

زمان و مسیر حرکت نیروهای صلیبی

نقطه‌ی عزیمت نیروها از بندر ایق مورت (Aigue - morte) در جنوب فرانسه بود. مدت‌ها طول کشید تا همه‌ی نیروها در این بندر جمع شدند.^{۲۰} در اول ژوئیه ۱۲۷۰ میلادی / آخر ذی القعدة ۶۶۸ قمری، ناوگان صلیبی به سمت بندر کاقلیاری (Cagliari) در جزیره‌ی ساردنی (به گفته‌ی ابن خلدون ساردنی یا صقلیه) حرکت کردند و بعد از توقف کوتاهی در آن‌جا روانه‌ی تونس شدند و بدون هیچ مقاومتی وارد آب‌های قرطاج (قرطاجنه) بندرگاه پایتخت افریقای، گردیدند و شبانه در محل مناسبی پیاده شدند. در خرابه‌های شهر قدیمی قرطاج، هنوز برخی خانه‌ها و بقایای کاخ‌های آن باقی بود. آنان توانستند در آن شهر ویرانه مستقر شوند.^{۲۱} شش ماه (یا چهار ماه و دو روز) نیروهای صلیبی با حمایت کمک‌هایی که از سیسیل به آنها می‌رسید، مترصد حمله به تونس و تصرف آن‌جا بودند.^{۲۲}

اعلام جهاد توسط مستنصر

مستنصر که عنوان خلیفه‌ی مسلمین و امیرالمؤمنین داشت، وقتی یقین حاصل کرد که لوئی نهم مصمم به جنگ و تصرف تونس است، اعلام جهاد نمود. او آمادگی برخورد با هرگونه تجاوز نظامی را داشت. از سویی چند شورش بزرگ داخلی را در سال‌های ۶۴۸، ۶۵۱، ۶۵۲ و ۶۶۴ قمری سرکوب کرده^{۲۳} و بر امور داخلی مسلط بود و از سویی دیگر حمایت همسایگان مغربی را نیز به همراه داشت. بیپرس سلطان مملوک مصر هم به مجرد شنیدن حمله‌ی صلیبی‌ها به تونس، نامه‌ای به مستنصر نوشت و به او اعلام کرد در صدد تهیه‌ی نیروهایی از اعراب برقه و سایر نقاط برای کمک به اوست.^{۲۴} مستنصر ضمن فراخوانی علما و بزرگان مغرب و آندلس از مهاجران و شیوخ موحدین، با آوردن آیه‌ی جهاد^{۲۵} در آغاز نامه‌های فراخوانی خود، مردم را بسیج کرد.

پیش از رسیدن صلیبی‌ها به خاک تونس شورایی از بزرگان و علما و فقها در دربار مستنصر تشکیل شد که از مهم‌ترین تصمیمات اولین جلسه‌ی آن زمین‌گیر نمودن نیروهای صلیبی در ساحل قرطاج بود، تا نتوانند به سایر نقاط ساحلی دسترسی پیدا کنند. گروهی از افراد این شورا اعتقاد داشتند به هیچ وجه به آنها اجازه‌ی ورود به بندرگاه پایتخت داده نشود.^{۲۶} از دیگر اقدامات عاجل تونس‌ها، تشکیل سپاه مخصوص هزار نفری از نیروهای کارآمد با لباس مخصوص بود که اطراف محل سکونت مستنصر را تا پایان جنگ در کنترل شدید خود داشتند؛ زیرا تونس با توجه به حضور انبوه یهودیان و مسیحیان وضعی خاص داشت و بارها شایعه کرده بودند که خلیفه به قیروان گریخته است.^{۲۷}

محاصره‌ی صلیبی‌ها

با اعلام جهاد، انبوهی از نیروهای مردمی از نقاط مختلف به طرف تونس به راه افتادند که تعداد آنها از شماره خارج بود.^{۲۸} نیروهای اعراب و ملوک مغرب حضور فعال و چشم‌گیری پیدا

کردند. هفت لشکر به فرمان‌دهی شیوخ موحدین تشکیل شد. در این حین اعراب چندین بار از طریق بحیره به محل استقرار نیروهای صلیبی شبیخون زدند. بحیره نقطه‌ی سوق الجیشی بسیار مهمی بود که با استفاده از آن‌جا، بندر قرطاج به‌طور کامل در محاصره قرار داشت. لوئی در آغاز، تهدید مستنصر مبنی بر این که اگر خاک تونس را ترک نکند، با سپاهی صد هزار نفری روبه‌رو خواهد شد را جدی نگرفت؛ اما در نخستین درگیری که در نیمه‌ی محرم ۶۶۹ قمری رخ داد و ۵۰۰ تن از نیروهای صلیبی کشته شدند، روحیه‌ی آنان در هم شکست. افزون بر این که نیروهای مردمی و انبوهی از افرادی که نذر مرابطه^{۲۹} داشتند، گروه گروه فرا می‌رسیدند و حلقه‌ی محاصره‌ی صلیبی‌ها را با حضور انبوه خود تنگ‌تر می‌کردند و کار را بر آنان سخت‌تر می‌ساختند. با این حال، لوئی درخواست مهادنه و ترک جنگ از سوی مستنصر را رد کرد.^{۳۰}

بسیاری از زهاد و سران صوفیه در رأس دسته‌های بزرگ مردم در این اجتماع حضور یافتند و برخی از این شیوخ تا آخرین لحظه در میدان نبرد مقاومت کردند و جان دادند که قبر آنها در همان محل به صورت زیارتگاه درآمده است؛ از جمله «سیدی عمار» از رهبران مجاهدان که در این جنگ کشته شد و قبر او در این محل باقی است. شور و شوق مجاهدان در طی چند ماه جنگ وصف ناشدنی بود و مجموعه‌ای از «ادبیات جنگ» پدید آمد. مجاهدان اشعار ابن مطروح مصری در هجو لوئی در شکست دمیاط و اشعار احمد بن الزیات تونس را زمزمه می‌کردند. در این زمان یکی از ادبای مصری خطاب به فرنسیس سرود:

یا فرنسیس هذّه اخت مصر فتهیأ لما الیه تصیر
لک فیها دار ابن لقمان و طواشیک منکر و نکیر^{۳۱}

علل شکست لوئی نهم

اعلام جهاد و حضور انبوه گروه‌های مردم، استفاده‌ی مناسب از موقعیت مهم و

سوق الجیشی بحیره در محاصره کردن دشمن و استفاده از سلاح‌های مناسب شکست قطعی صلیبیان را در پی داشت.^{۳۲} نوعی منجنیق که گلوله‌های حاوی خاکستر آتشین بر سر دشمن می‌ریخت، نقش مهمی در این جنگ داشت. این گلوله‌ها جراحات دردناکی در ناحیه‌ی صورت و گلو ایجاد می‌کرد و باد، غبار و خاکستر را وارد مجاری تنفسی آنها می‌کرد و باعث تنگی نفس و خشکی ریه و سرانجام عفونت آن می‌شد؛ آب آشامیدنی نیز با خاکستر آمیخته می‌شد و در اثر نوشیدن آن، تب و اسهال سراسر اردوگاه صلیبی را فرا گرفت و شمار زیادی را هلاک کرد. از جمله‌ی قربانیان، لوئی بود^{۳۳} که قبر او در ساحل قرطاج در محلی به نام «سنت لوئی» معروف است.^{۳۴}

نویسندگان غربی با غلو در تأثیر عوامل طبیعی، مانند وبا و گرسنگی و تشنگی در شکست لوئی، در پی کاستن اهمیت جهاد و مقاومت مسلمانان بوده‌اند.

استیصال صلیبی‌ها

حلقه‌ی تنگ محاصره، صلیبی‌ها را زمین‌گیر و از نزدیک شدن به پایتخت دولت حفصی یکسره ناامید ساخت. یأس و بیماری و بی‌آبی و بی‌غذایی و افسردگی و خستگی ناشی از ۴ یا ۶ ماه جنگ، شکست ناوگان شارل دانتزو، شاه سیسیل، برای دستیابی به بحیره و قطع تماس او با صلیبی‌های محاصره شده در قرطاج، آنها را در تنگنای وحشتناکی قرار داد.^{۳۵} مرگ لوئی بر شدت این بحران افزود؛ به‌طوری که برخی از منابع مرگ لوئی را تنها علت ترک تونس توسط صلیبی‌ها دانسته‌اند.^{۳۶} در متون عربی نیز آمده است که آنها از این‌که در کار جنگ فروماندند، و فصل سرما نیز نزدیک بود، درخواست صلح کردند؛ و مستنصر صلح را به این شرط که خاک تونس را ترک کنند، پذیرفت اما به تصریح برخی از منابع، چون وبا شایع شد و به اردوگاه مسلمین هم سرایت کرد، سلطان از ترس این‌که مبادا مجبور به ترک تونس شود، درخواست صلح را پذیرفت. صلیبی‌ها دو روز بعد از پیمان صلح، با به جا گذاشتن

غنائمی، از جمله هشتاد دستگاه منجیق، به سرعت تونس را ترک کردند.^{۳۷}

اختلاف در قبول صلح

در ربیع الاول سال ۶۶۹ قمری گروهی از فقها در مجلسی بر مشروعیت معاهده‌ی صلح شهادت دادند. ابوزیان محمد بن عبدالقوی امیر بنی توجین واسطه‌ی عقد صلح بین مسلمین و صلیبی‌ها بود.^{۳۸}

پیش از انعقاد پیمان صلح، اختلاف شدیدی بین سران و فقها و بزرگان دولت حفصی در مشروعیت صلح درگرفت؛ به طوری که در یکی از جلسات گفت‌وگو، مستنصر خشمگین شد و دستور تعطیل آن جلسه را صادر کرد. به هر حال، برخی از افراد سرشناس و فقهای بزرگ، چون قاضی القضاة دولت حفصی ابن خباز و فقیه ابن عجلان و... از شرکت در جلسه‌ی صلح و امضای آن خودداری کردند. برخی از منابع به مشکوک بودن معاهده‌ی صلح به دلیل آن که هیچ کدام از مذاکرات توسط شیوخ موحدین صورت نگرفته است، اشاره کرده‌اند.^{۳۹} یکی از مناظرات فقهی مهم در دوره‌ی حفصی، مناظره بر سر این صلح بود که بین ابن زیتون، کارگزار اصلی صلح، با یک فقیه مخالف صلح به نام احمد بن عجلان روی داد.

بررسی مفاد پیمان صلح

مفاد پیمان صلح بر محور آزادی تجاری و فرهنگی برای رعایای دول مسیحی و برخی تعهدات حقوقی متقابل است.

۱. برقراری صلح با دول شرکت کننده در جنگ؛

۲. آزادی اسرا؛

۳. امنیت متقابل؛ بازرگانان و مسافران؛

۴. ممنوعیت پناهندگی مخالفان؛

۵. آزادی راهبان و کشیشان در تبلیغ و ساخت کلیسا در تونس؛

۶. پرداخت غرامت جنگ توسط سلطان حفصی؛

۷. ادامه‌ی پرداخت باج سالیانه دولت حفصی به صقلیه؛

۸. پرداخت ۱۱ قنطار طلا و ده قنطار نقره‌ی خالص در طی ۱۵ سال توسط دولت حفصی

به صلیبی‌ها.^{۴۰}

پرداخت غرامت جنگی و اموال زیادی که ابن خلدون آن را ده جُمُل مال، و برخی از منابع ۱۱۰۰ قنطار طلا و ۱۰ قنطار نقره گزارش نموده‌اند، خسارت بزرگی برای مردم تونس بود. ابن خلدون می‌نویسد: ^{۴۱} سلطان با پرداخت این مال از روی طیب نفس، مردم را مغبون ساخت. از آثار مخرب جنگ برای تونس، کاستن بنیه‌ی مالی دولت حفصی بود. مبالغ هنگفتی صرف هزینه‌ی جنگ و خرج نیروهای شرکت‌کننده در آن شد. ^{۴۲} به تصریح برخی از منابع همه‌ی اموالی که ابو زکریا پدر مستنصر جمع کرده بود، تلف شد. ^{۴۳} گویا علی‌رغم هزینه‌ی سنگینی که بر دولت نوپای حفصی تحمیل شد، این دولت آرامش و ثباتی را که برای بقای خود نیاز داشت، به دست آورد. چند ماه بعد از پیمان صلح، روابط دوستانه‌ی مستنصر با دولت آراگون و چند دولت دیگر مسیحی از سر گرفته شد. دولت‌های مسیحی شرکت‌کننده در جنگ، بعد از جنگ دچار تفرقه شدند ^{۴۴} و در موضع ضعفی نسبت به دولت حفصی قرار گرفتند. اما دولت صقلیه بر قدرت‌طلبی خود پایدار ماند و گویا تنها دولتی که از این معاهده سود برد صاحب صقلیه بود. ^{۴۵}

در ارزشیابی مفاد پیمان صلح باید گفت که در ظاهر تأمین‌کننده‌ی بسیاری از منافع مالی دول مسیحی، اما به واقع منافع سیاسی آن مطلوب دولت حفصی بود و این نشان می‌دهد که مستنصر حفصی حاضر به پرداخت هزینه‌ی مالی سنگین برای حفظ نوعی روابط پایدار سیاسی با دولت‌های فعال اروپایی، چون آراگون و قشتالی‌ها و جمهوری‌های جنوب ایتالیا بوده است. برونشویک هم تصریح می‌کند که: چون متن معاهده متضمن مسائل مالی بود و

رنگ اقتصادی داشت، مستنصر حفصی به سرعت آن را پذیرفت.^{۴۶} به هر حال برقراری دیپلماسی پایدار برپایه روابط تجاری دوستانه با دول اروپایی از پیروزی در یک جنگ نظامی بر این دول برای مستنصر حفصی از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار بود.^{۴۷}

موقعیت سیاسی دولت حفصی

چون دولت حفصی بین چند دولت جوان قدرت طلب و مهاجم که همواره آماده‌ی انعقاد پیمان‌هایی با رقبای اروپایی علیه او بودند، قرار گرفته بود، جنگ نمی‌توانست بقای دولت او را تضمین کند. دولت‌های بنی مرین در مغرب اقصی، بنی عبدالواد در مغرب اوسط، بنی الاحمر در جنوب آندلس و دول مسیحی فعال در صحنه‌ی بازرگانی و سیاسی مدیترانه، چون آراگون و قشتالی و جمهوری‌های تجاری جنوب ایتالیا که جز به منافع تجاری خود به هیچ چیز نمی‌اندیشیدند و نیز دولت سیسیل که معاصران از او با عنوان شیطان مدیترانه‌ی غربی یاد می‌کردند، از هر سو دولت جوان حفصی را در محاصره داشتند؛ لذا این دولت مجبور بود سیاست مناسبی در مقابل آنها اتخاذ کند. از طرفی توسعه‌طلبی دولت مصر به سمت غرب و ادعای خلافت در جهان اسلام که هم‌چنان جزو آرزوهای دولت مصر بود، در تصمیم‌گیری دولت حفصی نقش داشته است. بیبرس سلطان مملوک مصر در نامه‌ی تندی مستنصر حفصی را به شدت سرزنش کرد^{۴۸} و او را به بی‌لیاقتی و عدم شایستگی احراز مقام خلافت مسلمین مورد نکوهش قرار داد؛ لذا حرکت بیبرس به سمت تونس، در تصمیم‌گیری مستنصر در اتخاذ صلح چندان بی‌تأثیر نبود. بیبرس در چهار شوال ۶۶۹ قمری / ۱۲۷۰ میلادی، طرابلس غرب را محاصره کرد و در چند صد کیلومتری تونس قرار گرفت.^{۴۹} از سویی مقابله‌ی طولانی دولت حفصی با موحدین برای کسب قدرت و احساس ضعف روانی از سقوط بغداد و بسیاری از نقاط مهم شرق که در تونس کاملاً هویدا بود در پذیرفتن صلح مؤثر بوده است. مورخان به ضعف روانی مسلمین نیز تصریح کرده‌اند. ابن قنفذ می‌نویسد: «مستنصر با شنیدن

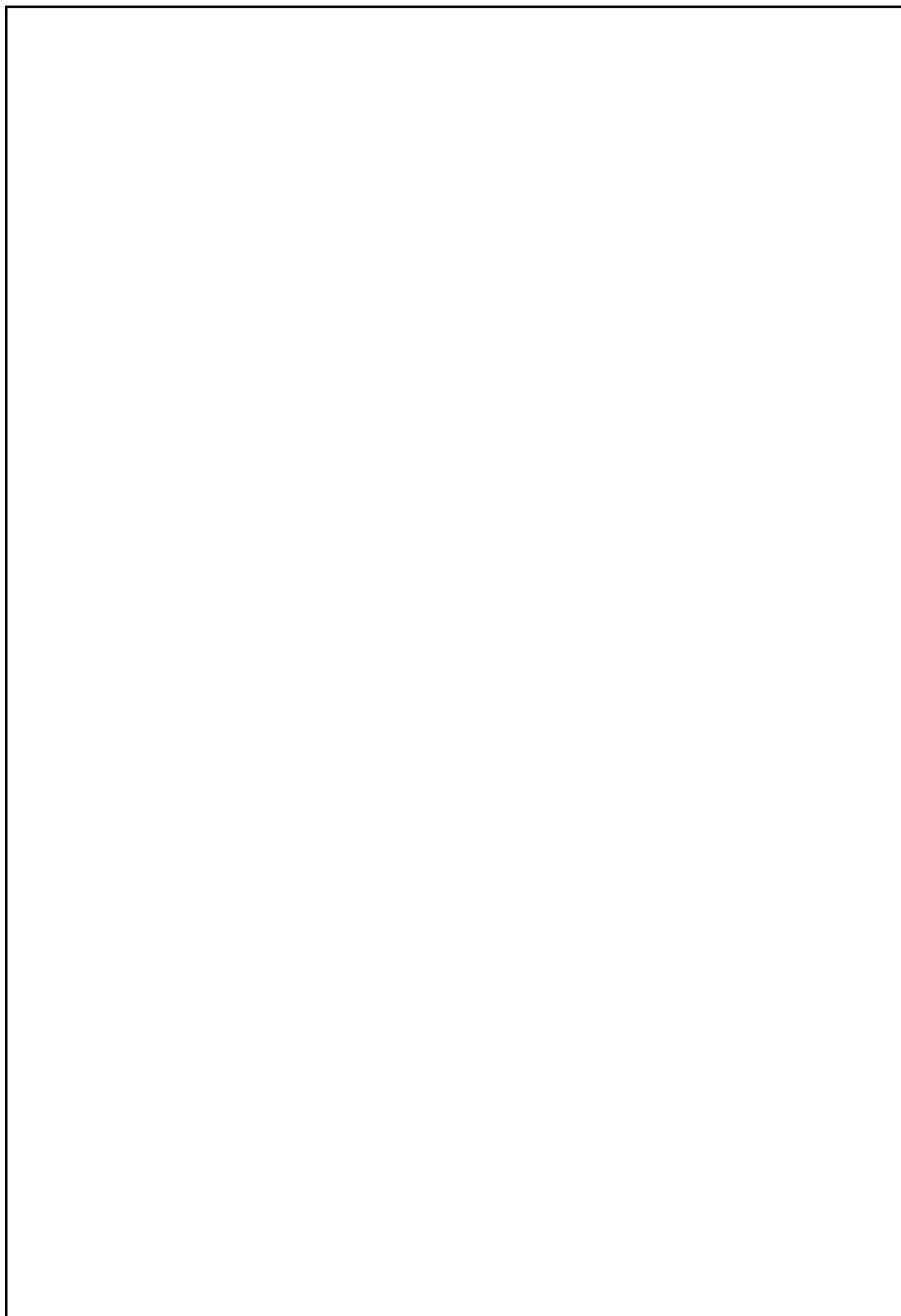
اخبار قتل عام تاتارها در بغداد چندین روز بیمار شد.^{۵۰} ابوالفداء، مورخ معاصر این حوادث، به ضعف مسلمین در این موقعیت اشاره کرده و می‌نویسد: «کمک خدا و مرگ لوئی دولت اسلامی تونس را از سقوط نجات داد».^{۵۱} سقوط تونس برای مسلمانان شرق، به ویژه دولت مصر، نتایج فاجعه‌آمیزی به بار می‌آورد، لذا بیبرس در نامه‌ی خود به مستنصر او را به مقاومت دعوت کرد و قول هرگونه کمکی را داد.^{۵۲}

نتایج جنگ صلیبی هشتم

نبرد صلیبی هشتم، چنان‌که مورخ بزرگ معاصر آن (ابن خلدون) تصریح کرده است، وحشت و پراکندگی نیروهای صلیبی را به دنبال داشت. این جنگ مقارن با اعلام خلافت حفصی در نقطه‌ی مهمی از غرب جهان اسلام و زمانی روی داد که همه‌ی دول اسلامی مجاور، خلافت حفصی را به رسمیت شناختند. این اتحاد موقت مسلمانان، نیروهای صلیبی را مجبور ساخت تا حمله‌ی یکپارچه‌ای را برای تصرف تونس هدایت کنند. شکست صلیبیون در جنگ هشتم، الگویی برای مقاومت دولت‌های مسلمان در برابر دول متجاوز مسیحی شد و نشان داد که اتحاد موقت مسلمانان نیز کارساز است. در غرب مسیحی هم شکست سیاست جنگ صلیبی را به همراه داشت که خود پایان جنگ‌های کلاسیک صلیبی محسوب می‌شد. این مقاومت که ریشه‌های مردمی داشت و با رهبری شیوخ و متصوفه‌ی بزرگ از اولیای مورد احترام مردم هدایت می‌شد، نیروی بی‌پایان مقاومت مردم مسلمان در شمال آفریقا را نشان داد و به جهان مسیحی فهماند که اسلام در شمال آفریقا ریشه دارد. به دنبال شکست لوئی، جهان مسیحیت ماتم‌گرفت^{۵۳} و مسلمانان احساس آرامش کردند؛ زیرا پیروزی لوئی در تونس به منزله‌ی حاکمیت مطلق بر سراسر مدیترانه بود و حلقه‌ی اتحاد میان مغولان و مسیحیان^{۵۴} را به شکل مستحکم و پایداری در شرق و غرب جهان برقرار می‌ساخت. اولین نتیجه‌ی این اتحاد این بود که قدس برای همیشه شهری مسیحی می‌شد و اسلام برای

همیشه از غرب جهان اسلام رخت برمی‌بست؛ بنابراین، در عرصه‌ی بین‌المللی، ناکامی نیروهای صلیبی هشتم در رسیدن به اهداف واقعی خود، بزرگ‌ترین خسارت پایدار برای جهان مسیحیت و پیروزی ثمربخش برای مسلمانان بود.

علی‌رغم آن‌که مسلمانان هزینه‌های هنگفت مادی و معنوی بسیاری را تحمل کردند، شکست صلیبی هشتم و انعقاد پیمان صلح باعث رونق تجارت در مدیترانه شد.^{۵۵} جمهوری‌های جنوب ایتالیا روابط تجاری گسترده‌ای را در شهرهای افریقه برقرار ساختند. شکست سیاست‌های تسامح‌آمیز ابی عبدالله مستنصر، خلیفه‌ی دوم حفصی که زمینه‌ی فریبکاری لوئی هفتم برای فریفتن سران دولت‌های مسیحی در حمله به تونس را فراهم آورده بود، از دیگر نتایج جنگ صلیبی هشتم بود. از مهم‌ترین نتایج این جنگ، روشن شدن این نکته بود که غرب مسیحی، دیگر اجازه‌ی اتحاد مغرب بزرگ را نخواهد داد و با تمام وجود در برابر چنین اتحادی مقاومت خواهد کرد.



پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰، ص ۲۷۳ و ص ۴۸۱. ابن اثیر، با عنوان «ذکر ظهور الافرنج الی الشام و مسیرهم الی دیار مصر» از این پدیده‌ی بزرگ تاریخی که چندین دهه به طول انجامید یاد کرده است.
۲. ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ج ۱۲، ص ۶۶۳ و ص ۶۶۵.
۳. ابن خلدون آورده است که «اللیانی» مسئولیت امور مالی دربار مستنصر را به عهده داشت و در سال ۶۷۴ قمری به دست مستنصر به قتل رسید. ابن خلدون، همان ص ۶۶۵ و ر.ک: احمدبن حسین ابن قنفذ، *الفارسیه*، ص ۱۲۵؛ محمد بن محمد السراج، *الحلال السنده*، ج ۲، ص ۱۵۲.
۴. ابن خلدون، همان، ص ۶۶۷.
۵. لوئی بعد از شکست خفت‌بار در ۶۴۷ قمری در مصر به مدت یک ماه در اسکندریه زندانی شد. او را بر شتری سوار کردند و در حالی که روی او به پشت شتر بود، همراه با گروهی از بزرگان دربار در شهر گرداندند و او را با فدیة‌ای برابر با ۵۰۰۰۰۰ پوند آزاد کردند.
۶. ابوالعباس ابن شماع، *الادلة البینه النورانیة*، ص ۶۵ و ۶۶.
۷. گویا بزرگان مصر، در انتظار حمله‌ی انتقام‌جویانه‌ی لوئی بودند و به محض شنیدن خبر لشکرکشی لوئی استحکامات دفاعی خود در اسکندریه و... را تقویت کردند و دست به اقداماتی از این قبیل زدند؛ اما ناگهان با خبر حمله‌ی لوئی به تونس مواجه شدند.
۸. روبر، *برونشوویک، افریقیه فی العهد الحفصی*، ج ۱، ص ۱۸۹.
۹. استیون رانسیمان، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ج ۳، ص ۱۳۶، ۵۱۲ و ۵۲۱.
۱۰. روبر، *برونشوویک*، همان، ص ۸۸.
۱۱. استیون رانسیمان، همان، ص ۳۴۹.
۱۲. همان، ص ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۳.
۱۳. همان، ص ۵۶۲.
۱۴. ر.ک: همان، ص ۵۲۱، ۵۲۲.
۱۵. روبر، *برونشوویک*، همان، ص ۸۹.
۱۶. شارل دانزویی در منطقه‌ی مدیترانه‌ی غربی به صورت شیطانی درآمد که می‌بایست دفع شود. او برای به دست آوردن یک ایالت آفریقایی، جنگ صلیبی به راه انداخت و برادرش را در سال ۱۲۷۲ تحریک کرد و راهی تونس نمود تا تونس را اشغال کند؛ اما فقط مختصر خراج سالیانه عایدش شد. ر.ک: کالین مک، ایودی،

- اطلس تاریخی جهان، ص ۳۲۸.
۱۷. استیون رانسیمان، همان، ص ۳۴۹.
۱۸. ابن خلدون، همان، ص ۶۶۵ و ۶۶۶؛ احمد بن حسین ابن قنفذ، *الفارسیه*، ص ۱۳۱.
۱۹. ابن خلدون، همان، ص ۶۶۸.
۲۰. استیون رانسیمان، همان، ص ۳۴۹.
۲۱. مستنصر بعد از جنگ دستور داد این خرابه‌ها را با خاک یکسان کنند به طوری که به هیچ وجه قابل استفاده نباشد.
۲۲. ابن خلدون، همان، ص ۶۶۹.
۲۳. ابن قنفذ، همان، ص ۱۱۹ و ۱۲۷.
۲۴. تقی‌الدین احمد مقریزی، *السلوک لمعرفه دول الملوک*، ج ۲، ص ۷۷.
۲۵. توبه: آیه ی ۴۱.
۲۶. ابن خلدون، همان، ص ۶۶۸.
۲۷. همان، ص ۶۷۰.
۲۸. همان، ص ۶۶۹.
۲۹. مرابطة از سنت‌های فقهی مسلمانان بویژه در مناطق ثغور و مرزها بود. آنها جهت پاسداری از مرزهای مسلمین در برابر هجوم کفار نذر می‌کردند، مدتی در آن جا به سر ببرند.
۳۰. ابوالعباس ابن شماع، همان، ص ۶۶ و ۶۷.
۳۱. ابن قنفذ، همان، ص ۱۱۰.
۳۲. روبرو برونشویک، همان، ص ۹۱.
۳۳. در مرگ لوئی دلایل متعددی ذکر شده است: ۱. وبا؛ ۲. شمشیر مسمومی که مستنصر برای او فرستاد؛ ۳. تیری که در میدان جنگ به او اصابت کرد. او در ۲۵ اوت ۱۲۷۰ در ۵۶ سالگی مرد. ر.ک: محمد السراج، همان، ص ۱۵۱، احمد ابی الضیاف، *اتحاف اهل الزمان* ص ۲۰۶؛ ابوالعباس ابن شماع، همان، ص ۶۷.
۳۴. احمد بن ابی ضیاف، همان، ص ۲۰۶.
۳۵. همان.
۳۶. علی بن ابی زرع الفاسی، *الانیس المطرب*، ص ۴۰۴.
۳۷. ابن خلدون، همان، ص ۶۷۱.

۳۸. همان.
۳۹. روبار پرونشویک، همان، ص ۹۴.
۴۰. احمد بن ابی ضیاف، همان، ص ۲۰۶.
۴۱. ابن خلدون، همان، ص ۶۷۱.
۴۲. ابن خلدون، همان، ص ۶۷۰.
۴۳. محمد بن محمد سراج، همان، ص ۱۵۲.
۴۴. ابن خلدون، همان، ص ۶۷۱. ابن خلدون تصریح می‌کند فرنگی‌ها بعد از این جنگ، دچار ضعف و تفرقه شدند و این جنگ آخرین نمایش قدرت آنها بود.
۴۵. روبار پرونشویک، همان، ص ۹۳.
۴۶. همان.
۴۷. نظر به نیاز و اهمیت این گونه روابط برای حفصیان، معاهده‌ی صلح ۱۲۷۰ میلادی، در ۱۲۸۵ به مدت ۲۵ سال دیگر تمدید شد.
۴۸. مقریزی، همان، ج ۲، ص ۷۷.
۴۹. «... بیبرس نبردهایی در نوبه و لیبی بر ضد همسایگان آفریقایی مصر انجام داد...» ر.ک: مجموعه نویسندگان، **تاریخ اسلام کمبریج**، ترجمه احمد آرام، ص ۲۹۵.
۵۰. ابن قنفذ، همان، ص ۱۲۱.
۵۱. اسماعیل ابی الفداء، **المختصر فی اخبار البشر**، ج ۳، ص ۱۸۸.
۵۲. همان.
۵۳. استیون رانسیمان، همان، ج ۳، ص ۳۵۰.
۵۴. بنا به روایتی، ابا قحطان مغول، چند ماه پیش از جنگ صلیبی هشتم طی نامه‌ای مراتب دوستی خود را به لوئی نهم اعلام کرد و گفت در صورت حمله لوئی به فلسطین از کمک‌های نظامی و مالی مغول برخوردار خواهد شد. اما کمک‌های مغول عملی نشد و لوئی نهم به تونس حمله کرد. (ر.ک: استیون رانسیمان، **تاریخ الحروب الصلیبیه**، ترجمه السید الباز العرینی، ج ۳، ص ۵۶۹).
۵۵. گویا در تحقیقات جدید بر اساس این گونه گزارش‌ها از صلح دولت حفصی با دول اروپایی به عنوان راه حل غیر شرافتمندانه اما روش آسان و مطلوب جهت تأمین مصالح دولت حفصی یاد شده است. ر.ک: شارل اندری جولیان، تعریب، محمد المزالی و...، **تاریخ افریقا الشمالیه**، ج ۳، ص ۱۸۱.

منابع:

- ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، چاپ سوم (بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸).
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *موسوعة ابن خلدون* (تاریخ ابن خلدون)، (بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۴۲۰).
- ابن شماع، ابوالعباس، *الادلة البنیة الفوارنیة* (تونس مطبعة العرب، ۱۹۳۶م).
- ابن قفط، احمد بن حسن، *الفارسیة* (تونس، الدارالتونسیه للنشر، بی تا).
- ابی الضیاف، احمد *اتحاف اهل الزمان* (تونس، الدارالتونسیه للنشر، ۱۹۸۹).
- ابوالفداء، اسماعیل، *المختصر فی البشر*، (مصر، مطبعة الحسینیة المصریة، بی تا).
- ایودی، کالین مک، *اطلس تاریخی جهان از آغاز تا امروز*، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ سوم (تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۹).
- برونشویک، روبر، *افریقیه فی العهد الحفصی* (بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۸).
- جولیان شارل آندره، *تاریخ افریقا الشمالیه*، ترجمه محمدزالی، چاپ پنجم (بیروت، دارالتونسیه للنشر، ۱۹۸۵م).
- رانسیمان، استیون، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه زهرا طباطبایی (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰).
- _____، *تاریخ الحروب الصلیبیة*، ترجمه السید الباز العرینی، ط ۳ (قاهره، ۱۹۹۳).
- السراج، محمد بن محمد، *الحلل السندسیة فی اخبار التونسیة* (بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۴).
- الفاسی، علی بن ابی زرع، *الانیس المطرب بروض القرطاس* (ریاض، دارالمنصور، ۱۹۷۲).
- مجموعه نویسندگان، *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸).
- المطونی، محمد، *السلطنة الحفصیه* (بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۶).
- مقریزی، نقی الدین احمد، *السلوک لمعرفة دول الملوک* (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷).